

دروود های آتشین به رفقای برگزارکننده و رفقای حضور یافته
در دومین کنگره تابناک ، پر بار و پر افتخار
(سازمان انقلابی افغانستان)

که دستاورد بس گرانبهای را برای نخستین بار
به تاریخ جنبش کمونیستی افغانستان اشغال شده
توسط امپریالیزم وحشی امریکا و شرکا ؛ عرضه کردند !
(کبیر تو خی)

به پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان (۱۱ جنوری ۲۰۱۳)

به : پاغر
و کوره فروزانش (سازمان انقلابی افغانستان)

کوره فروزان

معمار این کوره کیست ،
که بسان ستاره های درخشنان " نبرد طبقاتی "
از ورای تیره گی هائی که شده بر پا
فروغش چون طلوع پیدا

* * *

قدرت هیمه های این کوره فروزان شده در چیست ؟
معمار این کوره کیست ؟

* * *

قدرتیش در "نبرد طبقاتی" سنت
که می شکند بال سیاه شب تیره را
که واماندگان و ره گم کردگان
و مرتدانی که فروشنده‌گان کالای سیاسی شده اند
و آنانی که ریزه گوشت های فرو ریخته
از گوشة لب خون آلود "غول ... را،
- که می درد پیکر زخمی کشور مان را
- که میجود هر بند جسم و جان مردم مان را
بر می دارند با منقار های سائیده شده شان
و سر می کشند چکیده های خون را
و آنگاه،

می سرایند سرود تسلیم را
از برای دیگران:

« هوشدارید ای عزیزان!
نه آفتاب ست پیدا،

نه روزنه ای ست در دیدرس ما؛
این تیره گی و این خیره گی
که شده چیره برکشور ما
ماندنی سست

و پائیدنی ست این "غول ...".

چه باید کرد؟ جز این،
زنده باید ماند. »

این نمی داند و آن دیگران بی خبرند
که کوره ای فروزان شد ست در سر زمین مان.

ای مردم!

هیمه ها را چید و باید افروخت

شعله هایش را به هم تنید

که فروزان و فروزانتر شود

این کوره ای دشمن سوز

که سازنده اش جاودانه گشته ایست

که پا نهاد در میدان نبرد.

دریغا، دریغا!

که رفت از میان ما

- این پیلپایه پابر جا

که "پاغر" ش نامند -

ولی هم نبرداش و همرهانش نیز؛

همراه با همیه های دشمن سوز دیگر

آتش زند به این غولی، که

راز بقايش در مکیدن ارزش کار انسانی ست

تا نماند تیره گی در کشور ما

که ماندگارش خواند:

آن منقار سائیدگان جبون و ریزه چین

که با اشتیاق می نگرند

جویدن گوشت هم میهنان شان را

در دهان غولی به نام "یانکی".

که با پای گلین

فرو رفته در گرداب خونین.

و رنجران -

این گردانندگان گردونه دگرگونی ها

با پتک ها و داس های دست داشته ای شان

در فردای دیگر ،
 بسوزند در کوره ای که
 روشناس در هر کران پیداست
 هر آنچه گیاه است ،
 زهر آگین
 هر آنچه مارست ،
 در آستین
 هر آنچه استعمارست و استثمار
 هر آنچه حلقه هاست
 بر سرِ دار
 هر آنچه جنگ افزارست
 در انبار
 هر آنچه چنبرست
 به دورِ نیروی کار
 و هر آنچه بند است و بن بست
 برکنند از مسیر راه نا هموار .

درود بر شما ، ای رفیقان !
 نورِ کوره ای گداخته تان
 نورانی تر باد تا جاویدان !

* * * * *